

تلاش پژوهش حاضر، پاسخگویی به این سؤال است که معلمان در میدان آموزش برای دستیابی به کدام سرمایه با یکدیگر رقابت دارند؟ و شرایط و پیامدهای این رقابت را چگونه تجربه می‌کنند؟ بدین منظور چارچوب مفهومی پژوهش براساس نظریات بورديو تدوین گردید. مشارکت‌کنندگان این تحقیق عبارت بودند از معلمان نواحی هفت‌گانه آموزش و پرورش شهر مشهد که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌گیری نظری و معیار اشباع نظری با ۳۱ نفر از آنها مصاحبه گردید. نتایج تحقیق حاکی از آن است معلمان در سال‌های گذشته برای کسب و ارتقای سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته در میدان آموزش تلاش می‌کردند، اما در سال‌های اخیر (اواخر دهه هشتاد) تحت تأثیر صوری شدن ضمن خدمت، بازدارندگی قوانین میدان آموزش، مشکلات منزلتی، محوریت یافتن مدرک تحصیلی، محوریت یافتن ضمن خدمت، عوامل فردی، مشکلات اقتصادی و اقتصادگرایی، این شکل از رقابت رو به کاهش بوده و به جای آن رقابت اقتصادی و رقابت برای دستیابی به سرمایه فرهنگی نهادی شکل گرفته است. این امر بیانگر «تغییر سرمایه مورد منازعه از سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته به سرمایه فرهنگی نهادی/ اقتصادی در میدان تولید آموزش» است. شکل‌گیری این پدیده از یک سو، موجب آفت فعالیت فراغتی، تضعیف سلامت جسمانی - روانی و تضعیف عادت‌واره نهادی آنها است و از سوی دیگر، توانمندسازی اقتصادی و توانمندسازی علمی ضعیف معلمان را در پی داشته است.

■ واژگان کلیدی:

مطالعه، کتاب خواندن، نظریه ابرتابع رفتار، دانشجویان.

تحلیل وضعیت، شرایط و پیامدهای سرمایه مورد منازعه در آموزش و پرورش ایران

محسن نوغانی دخت بهمنی

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد
noghani@um.ac.ir

کمال خالقی پناه

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان
k.khaleghpanah@uok.ac.ir

فردین محمدی

دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد
fardin.mohamamdi@mail.um.ac.ir

مهدی کرمانی

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد
m-kermani@um.ac.ir

مقدمه

آموزش و پرورش به دلیل نقش آفرینی در ایجاد فرهنگ سیاسی مطلوب، انتقال علم و دانش، افزایش آگاهی تاریخی، اجتماعی و سیاسی، افزایش خلاقیت و نوآوری، تغییر نگرش به جهان (نگرش مطلوب)، تقویت تفکر و تعقل، آموزش مهارت‌های فنی با کیفیت، تقویت هویت ملی، القای باور به پیشرفت و آموزش مشارکت در حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه‌یافتگی و پیشرفت جوامع باشد. (علی‌بابایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲؛ قادرزاده، ۱۳۹۳: ۸۲ و برادران حقیر، ۱۳۹۰: ۲۲) به همین دلیل آموزش و پرورش در نیمه دوم قرن بیستم با پیدایش رویکردهای جدید به‌عنوان بستری مناسب برای دستیابی به توسعه تلقی گردید. با مطرح شدن آموزش و پرورش به‌عنوان کلید توسعه، کشورهای در حال توسعه توجه ویژه‌ای به آن نمودند و برنامه‌های توسعه را بر محوریت آن تدوین کردند. (نادوزی‌اودفانا^۱ و دیگران، ۲۰۱۳: ۳۴۷؛ احمد^۲، ۲۰۱۴: ۸۰؛ ماسینو و نینوزارازوا^۳، ۲۰۱۶: ۵۳)

در ایران نیز در اوایل قرن چهاردهم شمسی، با تدوین برنامه‌های نوین، نخستین گام در راستای دستیابی به توسعه برداشته شد و با توجه به نقش آموزش و پرورش در این حوزه، اهمیت خاصی به آن داده شد، به طوری که در برنامه عمرانی اول (سال ۱۳۲۷) توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، در برنامه عمرانی دوم (سال ۱۳۳۶) تعلیمات فنی حرفه‌ای و در برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱) برنامه آموزشی مورد توجه ویژه قرار گرفت و فعالیت‌های آموزشی در پرتو انضباط و قواعد یک برنامه درازمدت اجرا گردید. (آقازاده، ۱۳۸۲: ۲۹-۳۲) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، در قانون اساسی جمهوری اسلامی، برنامه‌های پنج‌ساله اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم توسعه و اسناد راهبردی، به آموزش و پرورش و نقش آن در توسعه اهمیت داده شد و از آن به‌مثابه یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی و پیشرفت همه‌جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف یاد گردید. اما امروزه به‌رغم تلاش‌های گسترده، تغییرات و اصلاحات انجام‌شده، آموزش و پرورش در ایران با چالش‌های عمده‌ای روبرو شده و همین امر موجب گردیده تا نتواند به اهداف مورد نظر خود دست یابد و از کارایی و اثربخشی مطلوب در جامعه برخوردار گردد. طبق سند تحول بنیادین نیز «آموزش

1. Nnadozi-Udefuna

2. Ahmad

3. Masino & Nino-Zarazua

و پرورش با مشکلات و چالش‌های جدی روبرو است و برون‌داد آن در طراز جمهوری اسلامی ایران و پاسخگوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نمی‌باشد». (کمالی و خاوری، ۱۳۹۰: ۱۶۱ و شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۵ و ۸) با توجه به مطالب مذکور، مسئله اصلی تحقیق آن است که چرا نظام آموزشی ایران (با تأکید بر آموزش و پرورش) علی‌رغم تلاش‌ها و اصلاحات انجام‌شده، با چالش‌های کارآمدی مواجه گردیده و از کارایی و اثربخشی مطلوب برخوردار نیست؟

در راستای تحلیل ناکارآمدی نظام‌های اجتماعی به‌ویژه آموزش و پرورش، رویکردها و نظریات متعددی وجود دارد مانند نظریه میدان پیر بوردیو^۱ جامعه‌شناس برجسته قرن بیستم. وی بر این باور است که جامعه از میدان‌های اجتماعی^۲ مختلفی با کارکردهای تخصصی تشکیل‌شده که در هر کدام از آنها یک شکل از سرمایه (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی)، محوریت دارد. میدان‌ها شامل نهادها یا مؤسسات مادی، اجتماعی و نمادین مثل دانشگاه، بهداشت، ورزش، آموزش و مذهب می‌باشند که فعالیت‌های اجتماعی خاصی در آنها رخ می‌دهد. از دیدگاه بوردیو میدان‌های اجتماعی هنگامی می‌توانند کارکرد تخصصی خود را تحقق بخشند که دارای پویایی باشند؛ یعنی عاملان اجتماعی آن برای افزایش سرمایه خود در راستای دستیابی به سرمایه محوری میدان با یکدیگر به رقابت و منازعه بپردازند و این رقابت همواره رقابتی نو باشد. (بوردیو، ۱۳۹۴: ۱۳۳؛ لسرد^۳ و دیگران، ۲۰۱۰، ۱۹۵۲ و هرده^۴، ۲۰۱۳: ۳۷۸) حال اگر رقابت برای دستیابی به سرمایه محوری تضعیف شود و سرمایه دیگری بر میدان سلطه یابد و عاملان اجتماعی برای دستیابی به سرمایه دیگری رقابت کنند، کارکرد میدان دچار اختلال می‌گردد. (بوردیو، ۱۳۹۴: ۱۶۵؛ کیچین و هوه^۵، ۲۰۱۳: ۱۲۹ و آروین، ۱۳۹۰: ۲۲۷) به‌عبارت دیگر، هر گاه رقابت برای دستیابی و افزایش سرمایه محوری به هر دلیلی از جمله نقش‌آفرینی مؤثر دیگر اشکال سرمایه در آن میدان، تضعیف شود و عاملان اجتماعی برای دستیابی به سرمایه‌های غیرمحوری میدان رقابت کنند، میدان در راستای تحقق کارکرد تخصصی خود با چالش مواجه خواهد شد. بنابراین از دیدگاه بوردیو، کارکرد یک میدان، متأثر از رقابت برای دستیابی به سرمایه محوری است. به‌طوری که اگر عاملان اجتماعی میدان

1. Bourdieu
2. Field
3. Lessard
4. Herd
5. Kitchen & Howe

برای دستیابی به سرمایه محوری میدان رقابت نمایند، کارکرد میدان تحقق می‌یابد، اما اگر سرمایه محوری میدان تحت تأثیر سایر میدان‌ها، تغییر یابد و عاملان اجتماعی برای دستیابی به سرمایه‌های غیرمحوری میدان تلاش نمایند (یعنی تغییر سرمایه مورد منازعه در میدان از سرمایه محوری به سرمایه‌های غیرمحوری)، کارکرد میدان با مشکل مواجه خواهد شد.

از آنجا که براساس دیدگاه بورديو سرمایه محوری میدان آموزش، سرمایه فرهنگی (به‌ویژه سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته) است (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۴۴)، میدان آموزش هنگامی می‌تواند از کارآمدی برخوردار باشد که عاملان اجتماعی آن برای دستیابی به سرمایه فرهنگی با یکدیگر رقابت کنند. براساس این دیدگاه، مواجهه میدان آموزش با چالش‌های کارآمدی، بدان معناست که رقابت برای سرمایه محوری در میدان آموزش (یعنی سرمایه فرهنگی) دستخوش تغییر و تحول گردیده است. بنابراین مسئله اساسی تحقیق این است که امروزه عاملان اجتماعی میدان آموزش در ایران (با تأکید بر معلمان) برای دستیابی به کدام یک از اشکال سرمایه (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی) رقابت می‌کنند؟ این رقابت نسبت به گذشته دستخوش چه تغییری شده است؟ (در گذشته برای دستیابی به کدام سرمایه رقابت می‌کردند؟) چه شرایطی بر شکل‌گیری رقابت کنونی عاملان اجتماعی میدان آموزش یا تغییر سرمایه مورد منازعه اثرگذار بوده است؟ عاملان اجتماعی پیامدهای این رقابت را چگونه تجربه می‌کنند؟ و در نهایت راهبرد فرهنگی متناسب با وضعیت رقابت حاکم بر میدان آموزش چیست؟ با توجه به مسئله‌های مطرح‌شده، هدف اساسی تحقیق حاضر بررسی وضعیت سرمایه مورد منازعه در میدان آموزش، تغییرات، شرایط و پیامدهای آن می‌باشد.

پیشینه تجربی تحقیق

تحقیقات داخلی و خارجی که به‌طور مشخص رقابت معلمان برای دستیابی به سرمایه مورد منازعه در میدان آموزش را به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی بررسی کرده باشند، خیلی کم‌اند، اما به‌طور کلی در حوزه سرمایه در این میدان تحقیقات زیادی انجام شده است که در اینجا به چند مورد از پژوهش‌هایی که قرابت موضوعی و مفهومی - نظری با تحقیق حاضر دارند، اشاره می‌شود.

علی‌بابایی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با استفاده از روش پیمایش و تکنیک

پرسشنامه جایگاه اجتماعی معلمان شهرستان بیرجند را به لحاظ سرمایه فرهنگی/اقتصادی مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که جایگاه اجتماعی معلمان به لحاظ سرمایه فرهنگی در سطح متوسط و بر حسب سرمایه اقتصادی در سطح متوسط به پایین است. در تحقیقی دیگر قادرزاده و فرجی (۱۳۹۳) در شهر سمنان تجربه‌های معلمان از دو شغله بودن را با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای و تکنیک مصاحبه مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر آن بود که معلمان تحت تأثیر فضای اجتماعی مخاطره‌آمیز، تناقض پایگاهی، محدودیت‌های سازمانی، مقایسه درون/برون سازمانی، اصالت‌زدایی به شغل دوم‌گرایی پیدا کرده‌اند و در این زمینه پیامد دو وجهی توانمندساز - فشارآفرین را تجربه نموده‌اند. نتایج تحقیق پیمایشی محمدی و همکاران (۱۳۹۱) نیز بیانگر آن است که بین متغیرهای سرمایه اجتماعی/ فرهنگی و اثربخشی آموزشی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و از میان تمام شاخص‌های هر دو متغیر سرمایه اجتماعی و فرهنگی، شاخص همیاری اجتماعی و شاخص «هویت‌ساز فرهنگی» دارای بیشترین ضریب همبستگی با اثربخشی آموزشی است.

در تحقیقات خارجی نیز جاگر و مولگارد^۱ (۲۰۱۷) با استفاده از روش پیمایش رابطه سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق بیانگر آن بود که سرمایه فرهنگی بر موفقیت دانش‌آموزان تأثیرگذار است. البته این تأثیر بین دانش‌آموزانی که در جایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتری بودند و دانش‌آموزانی که در جایگاه پایین‌تری قرار داشتند، متفاوت بود. نتایج تحقیق چنج و کاپلویتز^۲ (۲۰۱۶) نیز که با استفاده از تحلیل ثانویه تأثیر سرمایه فرهنگی و اقتصادی خانواده را بر موفقیت دانشگاهی دانش‌آموزان در تایوان مورد بررسی قرار داده بودند، حاکی از آن بود که سرمایه فرهنگی والدین بر موفقیت دانشگاهی دانش‌آموزان تأثیر مثبت قوی دارد. دیگر نتیجه تحقیق حاکی از رابطه معنادار بین وضعیت اقتصادی والدین و موفقیت دانشگاهی دانش‌آموزان بود. در این راستا نتایج تحقیق پیمایشی مولگارد و جاگر (۲۰۱۵) نیز بیانگر تأثیر مثبت سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی والدین پدری و مادری بر موفقیت آموزشی و انتخاب‌های آموزشی دانش‌آموزان بود. نتایج تحقیق سوت‌گیت^۳ (۲۰۱۳) در زمینه سرمایه فرهنگی خانواده‌ها و آموزش‌های تکمیلی دانش‌آموزان، حاکی از آن

1. Jager & Mollegaard
2. Chang & Kaplowitz
3. Soutghgate

بود که خانواده‌هایی که سطح بالایی از سرمایه فرهنگی را دارند، آموزش‌های تکمیلی بیشتری را برای فرزندان‌شان فراهم می‌کنند. نتایج تحقیق کیفی لاندستروم و هولم^۱ (۲۰۱۱) در زمینه تحلیل تجربه‌های دانش‌آموزان و کارمندان مدارس در رابطه با رقابت بازاری و بازاریابی معلمان در مدارس بیانگر آن بود که این رقابت ضمن آنکه پیامدهای متناقضی داشته، موجب شده است که ارزش‌ها و هویت‌های حرفه‌ای آموزش سنتی به چالش کشیده شود. به‌علاوه این رقابت بر کیفیت آموزشی تأثیرگذار نبوده است. در تحقیقی دیگر، نتایج تحقیق پیمایشی ترامونت و ویلیمز^۲ (۲۰۱۰) نیز بیانگر آن بود که سرمایه فرهنگی پویا تأثیر مثبت زیادی بر پیامدهای آموزشی دانش‌آموزان دارد، اما سرمایه فرهنگی ایستا تأثیر نسبتاً کمتری دارد. دومایس و وارد^۳ (۲۰۱۰) در یک تحقیق پیمایشی به بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر موفقیت دانشگاهی دانش‌آموزان پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که سرمایه فرهنگی بر موفقیت دانشگاهی تأثیر مثبت و معنادار دارد.

مرور تحقیقات تجربی حاکی از آن است که بیشتر تحقیقات مذکور پوزیتویستی هستند و با رویکرد کمی تأثیر مثبت سرمایه فرهنگی و دیگر اشکال سرمایه را بر موفقیت آموزشی عاملان اجتماعی میدان آموزش مورد بررسی قرار داده‌اند. تحقیقات کیفی انجام‌شده نیز علی‌رغم آنکه با استفاده از رویکرد امیک^۴ و از نقطه نظر افراد درگیر (نگاه از درون) به بازسازی معنایی دلایل، زمینه‌ها و پیامدهای کنش عاملان اجتماعی میدان آموزش پرداخته‌اند، اما رقابت معلمان در میدان آموزش برای دستیابی به سرمایه مورد منازعه را مورد توجه قرار نداده‌اند. این امر نشان‌دهنده این واقعیت است که در تحقیقات تجربی خلأ بزرگی در زمینه تحلیل وضعیت سرمایه مورد منازعه در میدان آموزش و اینکه معلمان برای دستیابی به کدام سرمایه رقابت می‌کنند، وجود دارد. در این تحقیق سعی بر آن است که با استفاده از رویکرد کیفی و امیک، تحلیلی دقیق از وضعیت سرمایه مورد منازعه در میدان آموزش، شرایط اثرگذار بر آن و پیامدهایی که معلمان در این زمینه تجربه می‌کنند، صورت گیرد.

-
1. Lundstrom & Holm
 2. Tramont & Douglas
 3. Dumais & Ward
 4. Emic

چارچوب مفهومی

پژوهش حاضر بر مفاهیم نظری پیر بردیو از قبیل میدان، منازعه و سرمایه مبتنی است که در زیر بدان پرداخته می‌شود:

میدان: از دیدگاه بردیو میدان^۱، فضا یا پهنه اجتماعی محدودی است که منطق خاص خود را دارد و عاملان اجتماعی براساس حجم و ترکیب سرمایه‌ای که دارند در جایگاهی خاصی از آن قرار گرفته‌اند. عاملان اجتماعی ضمن پذیرش منطق و یادگیری میدان، براساس آن در میدان به فعالیت و رقابت می‌پردازند و این امر موجب می‌شود که میدان از پویایی و کارآمدی برخوردار باشد. از نظر بردیو در جامعه میدان‌های متعددی وجود دارد که هر کدام با کالای خاصی (با سرمایه خاص خود) تعریف می‌شوند و منافع، اهداف و قوانین خاص خود را دارند و هر فردی در آن واحد، عضو میدان‌های بسیاری است و در هر میدانی جایگاه متفاوتی دارد. (بردیو، ۱۳۸۸: ۴۴؛ بردیو، ۱۳۷۵: ۹۷؛ کلوت^۲، ۲۰۰۹: ۴۷۱ و گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۳۳) براساس مفهوم میدان، آموزش و پرورش ایران یک میدان اجتماعی تلقی می‌شود که دارای قوانین و اهداف خاصی است و افرادی از جمله معلمان در آن عضویت دارند.

سرمایه: بردیو به سرمایه نگاه فرامارکسیستی دارد و معتقد است سرمایه عبارت است از منابع، کالاها و ارزش‌های در دسترس افراد که در میدان می‌توانند برای دارندگان‌شان قدرت به‌دست آورند. به‌عبارت دیگر، سرمایه یک منبع عام و عینی است که می‌تواند شکل پولی و غیرپولی و همچنین ملموس و غیرملموس به خود گیرد. (ویلیامز و چودری^۳، ۲۰۱۶: ۵؛ لسرد و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۹۵۲ و کیچین و هوه، ۲۰۱۳: ۱۲۶) بردیو سرمایه را در رابطه با موقعیت‌های میدان تعریف می‌کند نه به‌مثابه اُبژه‌ها و کالاهای مادی که توسط افراد و گروه‌ها تصرف شده‌اند. این بدان‌معناست که همه عاملان اجتماعی که در ذیل یک میدان فعالیت می‌کنند از نوعی سرمایه برخوردارند که بنا به کمیت و کیفیت آن متفاوت است. (فریدلند^۴، ۲۰۰۹: ۸۸۹ و گرنفل، ۱۳۸۹: ۱۲۹) بردیو معتقد است که سرمایه اشکال مختلفی دارد که عبارت‌اند از: سرمایه اقتصادی^۵، سرمایه فرهنگی^۶،

1. Field
2. Kloot
3. Williams & Choudry
4. Friedland
5. Economic Capital
6. Cultural Capital

سرمایه اجتماعی^۱. سرمایه اقتصادی شامل سرمایه‌های مالی، میراث منقول و غیرمنقول و دارایی‌های گوناگون است که می‌تواند برای تولید کالا و خدمات به کار روند. سرمایه اجتماعی به معنای انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که به داشتن شبکه‌ای نسبتاً پایدار از روابط نهادینه‌شده آشنایی متقابل مربوط می‌شود و ابزاری جهت دستیابی به منافع فردی است؛ سرمایه فرهنگی نیز مجموعه‌ای از عادات، شیوه‌های زبانی، مدارک آموزشی، کالاهای فرهنگی، ذائقه‌ها، مهارت‌ها و انواع دانش است. هر کدام از اشکال سرمایه با میدان خاصی ارتباط دارند و در آن میدان می‌توانند کارکرد داشته باشند. به بیان دیگر، سرمایه جز در ارتباط با یک میدان خاص وجود و کارکرد ندارد. همچنین این اشکال سرمایه ضمن آنکه با یکدیگر ارتباط دارند، به یکدیگر نیز تبدیل پذیرند. به همین دلیل عوامل اجتماعی در رقابت‌های خود، سعی در تبدیل سرمایه خاصی به سایر اشکال سرمایه دارند. (بوردیو، ۱۹۸۶: ۴۷؛ کلوت، ۲۰۰۹، ۴۷۱؛ لوین^۲، ۲۰۱۵: ۸۰ و گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۱۱) بوردیو بر این امر تأکید دارد که در هر میدانی یک شکل از سرمایه، محوری است. به عنوان مثال در میدان اقتصاد سرمایه اقتصادی و در میدان آموزش سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته محوری دارد. از دیدگاه بوردیو سرمایه‌های محوری میدان بر کارکرد تخصصی میدان تأثیرگذار هستند. (بوردیو، ۱۳۹۴ و گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۴۴)

بر اساس مفهوم سرمایه، در میدان آموزش سرمایه‌های مختلفی مانند سرمایه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نمادین وجود دارد و هر کدام از معلمان به مثابه اعضای این میدان از حجم و ترکیبی خاصی از این اشکال سرمایه را در تملک دارند. (علی‌بابایی و دیگران، ۱۳۹۶) به عبارت دیگر، در میدان آموزش سرمایه اقتصادی (درآمد)، سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (دانش و مهارت)، سرمایه فرهنگی نهادی (مدرك تحصیلی، مدارک ضمن خدمت)، سرمایه نمادین (شهرت) و سرمایه اجتماعی (شبکه روابط اجتماعی) موجود است و برای دستیابی به آنها معیارهایی نیز مشخص شده است. علی‌رغم وجود اشکال مختلف سرمایه در میدان آموزش، سرمایه محوری آن، سرمایه فرهنگی به‌ویژه سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته است، زیرا افزایش این نوع سرمایه در تحقق کارکرد تخصصی میدان نقش مهمی دارد.

رقابت و منازعه: بوردیو میدان را به مثابه «توپولوژی اجتماعی»^۳ در نظر می‌گیرد، زیرا

1. Socila Capital

2. Levien

۳. توپولوژی Topology به معنای مکان‌شناسی است و توپولوژی اجتماعی Social Topology به معنای

عاملان اجتماعی با توجه به سرمایه‌هایی که در تملک دارند، در جایگاه‌هایی معینی در میدان قرار می‌گیرند. استقرار افراد در جایگاه‌های مختلف میدان موجب شکل‌گیری ساختار روابط عینی میدان به شکل سلسله‌مراتبی می‌شود و این امر ساختار میدان و روابط قدرت بین عاملان اجتماعی را تعیین می‌کند. (بوردیو، ۱۳۹۱: ۴۳۴ و ۱۳۸۶: ۸۳؛ مارتین^۱، ۲۰۰۳: ۳۲ و کلوت، ۲۰۱۵: ۹۶۳) همچنین سلسله‌مراتبی بودن ساختار میدان موجب نابرابری و رقابت در میدان می‌شود. بنابراین میدان، فضای منازعه و رقابت است و منازعه و رقابت عاملان اجتماعی در آن برای حفظ یا تغییر ساختار روابط میدان است. (بوردیو، ۱۳۹۰: ۷۵؛ ساوج و سیلوا^۲، ۲۰۱۳: ۱۱۳ و کلوت، ۲۰۰۹: ۴۷۱) در نهایت در اثر منازعه و رقابت عاملان اجتماعی در میدان، امکان دارد موقعیت آنها در میدان یا تغییر کند یا حفظ شود. بنابراین میدان «فضای امکان‌ها» است. آنچه نتیجه رقابت و منازعه را مشخص می‌کند، حجم و ترکیب سرمایه‌ای است که عاملان اجتماعی در اختیار دارند. (بوترو و کروسلی^۳، ۲۰۱۱: ۱۰۰)

بوردیو بر این امر تأکید دارد که در هر میدانی رقابت عاملان اجتماعی برای دستیابی به سرمایه‌محوری موجب پویایی میدان، تولید سرمایه بیشتر و در نهایت کارآمدی (با تحقق کارکردی میدان) آن می‌شود. بنابراین منازعه برای کسب سرمایه‌محوری میدان در بین گروه‌های تشکیل‌دهنده ساختار میدان یکی از سازوکارهای پویایی میدان و موتور تغییرات میدان است. البته بوردیو معتقد است که منازعات درون میدان باید نو باشند یا جدید باقی بمانند. اما اگر سرمایه مورد منازعه در میدان از سرمایه‌محوری به سرمایه‌های غیرمحوری تغییر یابد، کارکرد میدان دچار اختلال می‌شود. (بوردیو، ۱۳۹۴؛ بوردیو، ۱۳۸۶: ۹۴، ۱۴۳؛ کیچین و هوه، ۲۰۱۳: ۱۲۹ و آروین، ۱۳۹۰: ۲۲۷) درباره میدان آموزش - که در این پژوهش بر آن تمرکز شده است -، بوردیو تأکید دارد سرمایه فرهنگی به‌ویژه بعد تجسم‌یافته آن نسبت به سایر سرمایه‌ها از اهمیت و وزن بیشتری برخوردار است و سرمایه محوری میدان است و باید مورد رقابت عاملان اجتماعی قرار گیرد. (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۴۴) براساس مفهوم رقابت و منازعه، در میدان آموزش هر کدام از معلمان در مقام عاملان اجتماعی، از حجم و ترکیبی خاصی از سرمایه برخوردارند که موجب قرارگیری آنها در

مکان‌شناسی اجتماعی است.

1. Martin
2. Savage & Silva
3. Bottero & Crossley

موقعیت‌های متفاوت و نابرابر در میدان آموزش می‌شود؛ موقعیت مسلط و موقعیت تحت سلطه. با توجه به آنکه بهبود موقعیت معلمان در میدان آموزش منوط به دستیابی به سرمایه بیشتر (با تأکید بر سرمایه فرهنگی) براساس معیارهای تعیین شده است، آنها با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. بنابراین معلمان از یک‌سو، در تعاملی دیالکتیکی با قوانین میدان قرار دارند و از سوی دیگر، بر حسب سرمایه‌ها و موقعیت‌شان در میدان، جهت دستیابی به سرمایه فرهنگی و افزایش آن در چارچوب قوانین میدان آموزش، به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. رقابت برای دستیابی به سرمایه فرهنگی به‌ویژه سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و افزایش آن موجب پویایی میدان آموزش و تحقق کارکردهای آن می‌شود. در غیر این صورت، اگر رقابت معلمان برای دستیابی به سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته جای خود را به اشکال دیگر سرمایه دهد، میدان دچار اختلال کارکردی می‌شود و کارکرد تخصصی میدان تحقق نمی‌یابد.

۹۰

روش تحقیق

در این پژوهش به دلیل تناسب روش‌شناسی کیفی برای کشف پیچیدگی‌ها و زوایای پنهان یک پدیده، همچنین برای تفسیر تجربه زیسته معلمان از روش‌شناسی کیفی و از تحلیل موضوعی^۱ بهره گرفته شد. میدان پژوهش شامل آن دسته از معلمان (مقطع متوسطه) نواحی هفت‌گانه آموزش و پرورش شهر مشهد بود که از سابقه شغلی نسبتاً والایی برخوردار بودند.^۲ جهت انتخاب نمونه‌ها با توجه به خاص بودن موضوع تحقیق از دو روش نمونه‌گیری هدفمند^۳ و نمونه‌گیری نظری استفاده گردید. به طوری که براساس نمونه‌گیری هدفمند، معلمانی که از سابقه شغلی نسبتاً بالایی برخوردار بودند، به کمک مدیران شناسایی شدند و بعد از هماهنگی‌های لازم با آنها، در فضای مدرسه یا بیرون از آن، مصاحبه گردید. سپس از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و تعیین مسیر پژوهش استفاده گردید. انتخاب نمونه‌ها با رعایت تنوع در پایگاه اجتماعی و اقتصادی، طیف‌های سنی، رشته تحصیلی و تمایل بیشتر به همکاری در پژوهش، صورت گرفت. همچنین گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌طور

1. Thematic Analysis

۲. با توجه به ویژگی‌های تحقیقات کیفی در فرایند تحقیق برای دستیابی به داده‌های مکمل به معلمان کم‌سابقه نیز مراجعه گردید.

3. Purposive Sampling

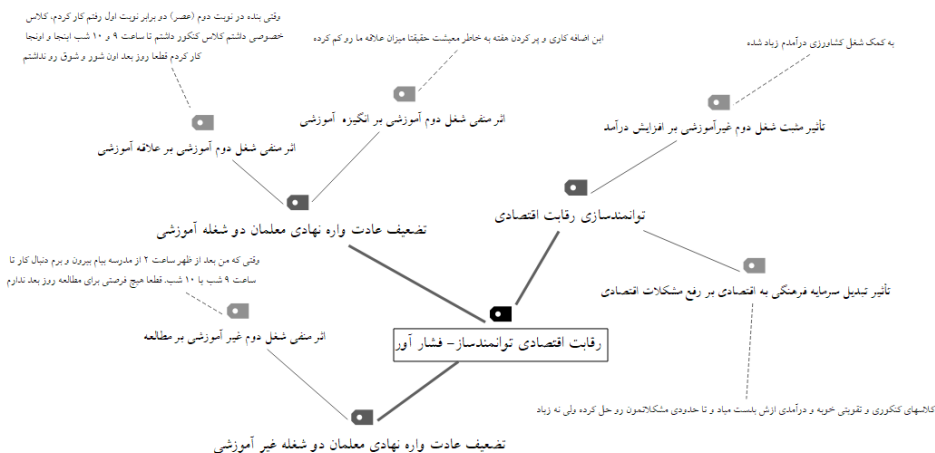
همزمان انجام شد. برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه کیفی عمیق به شیوه نیمه ساخت یافته استفاده گردید و مصاحبه‌ها در قالب فایل صوتی بین ۴۵ تا ۱۰۰ دقیقه گردآوری شدند. روند پژوهش به گونه‌ای پیش رفت که در مصاحبه ۲۵ اشباع داده‌ها حاصل شد. یعنی هیچ ایده و بینش جدیدی از گسترش بیشتر نمونه‌ها حاصل نگردید و پاسخ‌گویان داده‌های مشابه با داده‌های کسب‌شده پیشین ارائه می‌دادند. البته برای اطمینان بیشتر از پدید نیامدن مقوله جدید مصاحبه‌ها تا مصاحبه ۳۱ ادامه داده شد. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار maxqda و مقایسه‌های ثابت در سه سطح مفاهیم، مقوله و مقوله عمده و در جریان دو مرحله کدگذاری باز^۱ و محوری^۲ انجام گردید. همچنین کدگذاری باز با توجه به نظریه استراوس و کوربین (۱۳۹۱) در دو مرحله مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی انجام گرفت. در مرحله مفهوم‌سازی برای بخش‌بندی و تقطیع داده‌ها از روش سطر به سطر استفاده شد به طوری که داده‌ها به بخش‌های مجزا تفکیک شدند و پس از بررسی دقیق شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین واحدهای متنی مورد نظر، به هر کدام از بخش‌ها با توجه به بار معنایی یا ایده اصلی موجود در آن، عناوین مفهومی معینی اختصاص گردید. در نام‌گذاری مفاهیم سعی شد که از کدهای جنینی (برگرفته از داده‌های مصاحبه‌شوندگان) و تفسیری (براساس تفسیر محقق) استفاده شود. در مرحله مقوله‌بندی نیز براساس تکنیک مقایسه، مفاهیم بررسی شدند و مفاهیم مشترک در ذیل مقوله‌های معین قرار گرفتند. در این مرحله ۲۰ مقوله به‌دست آمد که با توجه به اینکه مقوله‌ها دارای اشتراکاتی بودند، مجدداً مقوله‌بندی شدند و براساس تکنیک مقایسه، مقوله‌های مشترک ذیل یک مقوله عمده قرار گرفتند. در نهایت ۸ مقوله عمده به‌دست آمد. در مرحله «کدگذاری محوری»، با استفاده از تکنیک «مقایسه ثابت» مقوله‌ها و زیر مقوله‌های به‌دست آمده در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به یکدیگر مرتبط شدند. (بیرکس و میلز^۳، ۲۰۱۱: ۹۷؛ کندال^۴، ۱۹۹۹: ۷۴۷ و والکر و مایریک^۵، ۲۰۰۶)

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Birks & Mills
4. Kendall
5. Walker & Myrick

جدول ۱: مفاهیم سرمایه مورد منازعه در میدان تولید

| مقوله عمده | مقوله | مفاهیم | عبارت |
|--|---|--|---|
| رقابت اقتصادی توانمندساز- فشار آور | تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان دو شغله آموزشی | اثر منفی شغل دوم آموزشی بر علاقه آموزشی | وقتی بنده در نوبت دوم (عصر) دو برابر نوبت اول رفتم کار کردم، کلاس خصوصی داشتم کلاس کنکور داشتم تا ساعت ۹ و ۱۰ شب اینجا و اونجا کار کردم قطعاً روز بعد اون شور و شوق رو نداشتم |
| | | اثر منفی شغل دوم آموزشی بر انگیزه آموزشی | این اضافه کاری و پر کردن هفته به خاطر معیشت حقیقتاً میزان علاقه ما رو کم کرده |
| | تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان دو شغله غیر آموزشی | اثر منفی شغل دوم غیر آموزشی بر مطالعه | وقتی که من بعد از ظهر ساعت ۲ از مدرسه بیام بیرون و برم دنبال کار تا ساعت ۹ شب یا ۱۰ شب. قطعاً هیچ فرصتی برای مطالعه روز بعد ندارم |
| | توانمندسازی رقابت اقتصادی | تأثیر مثبت شغل دوم غیر آموزشی بر افزایش درآمد | تأثیر مثبت شغل دوم غیر آموزشی بر افزایش درآمد |
| تأثیر تبدیل سرمایه فرهنگی به اقتصادی بر رفع مشکلات اقتصادی | | تأثیر تبدیل سرمایه فرهنگی به اقتصادی بر رفع مشکلات اقتصادی | کلاس‌های کنکوری و تقویتی خوبه و درآمدی ازش به دست میاد و تا حدودی مشکلاتمون رو حل کرده ولی نه زیاد |

۹۲



شکل ۱: نمونه‌ای از مقوله‌بندی مفاهیم سرمایه مورد منازعه در میدان تولید با کمک نرم‌افزار مکس کیو دی ای

برای اطمینان از اعتبار و پایایی داده‌های به‌دست آمده از چندین تکنیک استفاده گردید. به‌طوری که با استفاده از تکنیک مقایسه‌های تحلیلی، داده‌های استفاده شده در فرایند پژوهش چندین بار بررسی و ارزیابی شدند. همچنین مراحل کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات با راهنمایی و تحت نظارت اساتیدی که در زمینه روش تحقیق کیفی و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش تخصص داشتند، انجام گردید. به‌طوری که در جلسات مکرر تحلیل داده به‌صورت مباحثه‌ای صورت می‌گرفت یا بعداً به تأیید آنها می‌رسید و اصلاحات مورد نظر آنها اعمال می‌گردید. (تکنیک ممیزی)^۱ در مرحله پایانی نیز نتایج تحقیق جهت ارزیابی و تعیین صحت، در اختیار تعدادی از مشارکت‌کنندگان قرار داده شد و توسط آنها تأیید گردید. (اعتباریابی توسط اعضا)

۹۳

یافته‌های تحقیق

میدان مورد مطالعه در این تحقیق شامل ۳۱ نفر از معلمان شهر مشهد بود که به‌لحاظ جنسیت ۲۹/۰۳ درصد زن و ۷۰/۹۷ درصد مرد و به‌لحاظ تحصیلات نیز ۵۸ درصد از آنها دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۳۸/۷ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳/۳ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند. دامنه سنی مشارکت‌کنندگان نیز بین ۲۷ تا ۵۲ سال قرار دارد و میانگین سنی آنها ۴۰/۸۳ سال می‌باشد. سابقه شغلی مشارکت‌کنندگان بین ۵ تا ۳۰ سال قرار دارد و میانگین آن نیز ۲۰/۵ سال است. پس از گردآوری داده‌ها، با استفاده از تکنیک‌های مفهوم‌بندی و مقوله‌بندی تحلیل داده‌ها انجام گردید. در این مرحله ۵۴ مفهوم استخراج شدند که در قالب ۲۰ مقوله و ۸ مقوله عمده قرار گرفتند.

جدول ۲: مقوله و مقوله‌های عمده سرمایه مورد منازعه در میدان تولید

| مقوله عمده | مقوله | ردیف |
|--|--|------|
| سیر نزولی رقابت سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته | رقابت مبتنی بر سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته در سال‌های ابتدایی | ۱ |
| | کاهش رقابت مبتنی بر سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته در سال‌های اخیر | ۲ |
| سیر صعودی رقابت سرمایه فرهنگی نهادی | ارزشی‌شدن مدرک تحصیلی | ۳ |
| | مدرک‌گرایی درون سازمانی | ۴ |

| ردیف | مقوله | مقوله عمده |
|------|---|---|
| ۵ | تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اقتصادی | شکل‌گیری رقابت اقتصادی |
| ۶ | اشتغال معلمان به شغل دوم غیرآموزشی | |
| ۷ | صوری شدن ضمن خدمت؛ بازدارنده سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته | موانع رقابت سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته |
| ۸ | بازدارندگی قوانین میدان آموزش | |
| ۹ | مشکلات اقتصادی - منزلی؛ بازدارنده رقابت علمی | |
| ۱۰ | محوریت مدرک تحصیلی | محرك‌های رقابت سرمایه فرهنگی نهادی |
| ۱۱ | محوریت ضمن خدمت | |
| ۱۲ | عوامل فردی مؤثر بر مدرک‌گرایی | |
| ۱۳ | مشکلات اقتصادی؛ به‌مثابه محرك اقتصادی | محرك‌های رقابت سرمایه اقتصادی |
| ۱۴ | اقتصادگرایی | |
| ۱۵ | توانمندسازی رقابت اقتصادی | رقابت اقتصادی توانمندساز - فشار آور |
| ۱۶ | أفت فعالیت فراغتی و سلامت جسمانی - روانی | |
| ۱۷ | تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان دو شغله غیرآموزشی | |
| ۱۸ | تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان دو شغله آموزشی | |
| ۱۹ | توانمندسازی علمی ضعیف سرمایه فرهنگی نهادی | نتایج دو بعدی رقابت سرمایه فرهنگی نهادی |
| ۲۰ | توانمندسازی اقتصادی ضعیف سرمایه فرهنگی نهادی | |

سیر نزولی رقابت سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته

مقوله عمده حاضر تغییر و تحول سرمایه مورد منازعه در میدان آموزش در سال‌های گذشته و در سال‌های اخیر را مطرح می‌کند. معلمان در سال‌های اولیه خدمت برای دستیابی به سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته تلاش و رقابت می‌کردند و سعی بر افزایش آن داشتند، اما در سال‌های اخیر تلاش و رقابت در این زمینه تضعیف گشته و رقابت آنها در راستای دستیابی به این سرمایه کاهش یافته است. این مقوله عمده دارای مقوله‌های «رقابت مبتنی بر سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته در سال‌های ابتدایی» و «کاهش رقابت مبتنی بر سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته در سال‌های اخیر» می‌باشد. براساس مقوله «رقابت مبتنی بر سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته در سال‌های ابتدایی» معلمان در سال‌های اولیه خدمت از شور و اشتیاق فراوانی برخوردار بودند و در زمینه‌های علمی و آموزشی با همکاران خود

رقابت می کردند و سعی می نمودند که به عنوان یک معلم تلاشگر، خوب و با سواد در میدان آموزش شناخته شوند و حس برتری جویی علمی در آنها زنده بود. این حس به گونه ای بود که آنها را به تلاش و کوشش در زمینه علمی و آموزشی هدایت می کرد. همان طور که گفته شد یکی از زمینه هایی که معلمان قبلاً در آن با یکدیگر رقابت می کردند، زمینه یا حوزه آموزش بود. معلمان همواره درصدد بودند که بهترین آموزش و تدریس را داشته باشند و از به لحاظ آموزشی از سایر معلمان بهتر و برتر باشند.

اون زمان همیشه دوس داشتم جلوی چشم باشم و ازم تعریف کنند و به همین خاطر سعی کردم که بهترین آموزش رو بدهم و همیشه بهترین معلم باشم و مدیر و بچه ها ازم تعریف کنن. (مصاحبه شماره ۲۵)

همیشه سعی می کردم طوری عمل کنم طوری تدریس کنم درصد قبولیم بالا بره اطلاعات بیشتری به بچه ها بدم خودم مطالعه بیشتری داشته باشم، حتی زمانی که در زاوه بودم سعی کردم که سابقه خوبی از خودم به جا بذارم. (مصاحبه شماره ۱۴)

یکی دیگر از زمینه هایی که معلمان با یکدیگر رقابت می کردند، زمینه علمی بود. معلمان سعی می کردند که به لحاظ علم و دانش از همکاران خود بهتر و برتر باشند و به عنوان معلمی با سواد شناخته شوند.

اون سال های ابتدای خدمتم خیلی دوست داشتم که بچه ها من و درس رو از سایر همکارها و سایر دروس بیشتر دوس داشته باشند. به همین خاطر خیلی برای بچه ها زحمت می کشیدم و علاقمند بودم که من رو به فرد باسواد و اهل مطالعه بشناسند. آره به حس رقابت باهاشون داشتم. (مصاحبه شماره ۴)

در چند سال اول دوست داشتم که جلوی همکارانم خودمو نشون بدهم و به لحاظ سواد منو بشناسن. (مصاحبه شماره ۱)

«کاهش رقابت مبتنی بر سرمایه فرهنگی تجسم یافته در سال های اخیر» مقوله دیگری است که در این مقوله عمده قرار دارد. این مقوله بیانگر آن است که رقابت و تلاش معلمان در میدان آموزش برای دستیابی به سرمایه فرهنگی تجسم یافته در سال های اخیر نسبت به سال های گذشته کاهش یافته است و معلمان همانند گذشته درصدد برتری جویی علمی و افزایش علم و دانش خود نیستند و این حس و تلاش که به عنوان یک معلم برتر شناخته شوند، در آنها کاهش یافته است. رقابت علمی - آموزشی در میدان آموزش نه تنها کاهش یافته است، بلکه حالت صوری نیز پیدا کرده است.

امروزه اصلاً رقابت علمی بین همکارها وجود ندارد من خودم به‌عنوان سرگروه آموزشی می‌بینم که در همه فراخوان‌ها و برنامه‌هایی که ما در ناحیه داریم اصلاً همکاران همکاری نمی‌کنند. به‌ندرت استقبال می‌کنند. رقابت علمی مثل گذشته دیگه برای همکارها ارزشمند نیست. (مصاحبه شماره ۱۹)

من فکر می‌کنم رقابت باید برای خود همکار ارزشمند باشه ولی امروزه رقابتی نیست و بیشتر جنبه صوریش اهمیت داره. (مصاحبه شماره ۱۱)

سیر صعودی رقابت سرمایه فرهنگی نهادی

برخلاف آنکه منازعه و رقابت معلمان برای دستیابی به سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته در سال‌های اخیر در میدان آموزش، کاهش یافته است، این مقوله بیانگر آن است که سرمایه فرهنگی نهادی معلمان در سال‌های اخیر افزایش یافته است. مقوله‌هایی که ذیل این مقوله عمده قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: «مدرک‌گرایی درون‌سازمانی» و «ارزشی‌شدن مدرک تحصیلی». براساس مقوله‌های به‌دست آمده یکی از زمینه‌هایی که معلمان امروزه درصدد دستیابی به آن هستند و برای دستیابی به آن یا افزایش آن با یکدیگر رقابت و مبارزه می‌کنند، مدارک درون‌میدانی از قبیل گواهی‌های شرکت در همایش و ضمن خدمت است. معلمان در سال‌های اخیر در همایش‌ها و کارگاه‌های همایشی به‌وفور شرکت می‌کنند و سعی بر آن دارند که تعداد این مدارک و گواهی‌ها را افزایش دهند. معلمان همچنین در کلاس‌های ضمن خدمت خیلی زیاد شرکت می‌کنند و یکی از اهداف اصلی آنها از شرکت در این کلاس‌ها کسب گواهی آن است. به‌عبارت دیگر، معلمان سعی بر افزایش تعداد گواهی‌های ضمن خدمت دارند.

البته بین معلمان برای ارتقای رتبه و ارتقای مدرک، رتبه‌بندی و اون چیزهایی که سبب افزایش حقوق میشه، رقابت هست. یک رقابت توی مدرک گرفتن و گواهی همایش و ضمن خدمت هست. (مصاحبه شماره ۳)

همه ما به‌دنبال ضمن خدمتیم که هر سال اون سقف ساعت مجاز رو داشته باشیم. تو این زمینه رقابت هست. (مصاحبه شماره ۳۱)

براساس «ارزشی‌شدن مدرک تحصیلی» معلمان علاوه بر مدارک درون‌میدانی در راستای دستیابی به مدارک برون‌میدانی از جمله مدرک تحصیلی نیز رقابت می‌کنند و سعی بر آن دارند که در دوران حضور و فعالیت خود در میدان آموزش، با حضور در

میدان دانشگاهی مدرک تحصیلی خود را نیز ارتقا بخشند و به مدارک بالاتری از جمله مدرک کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی دست یابند.

به هر صورت در محیط‌های علمی و آموزشی نگاه رقابت علمی ناخودآگاه در بین همکارها هست. این ادامه تحصیل یکی از نمونه‌هاش... (مصاحبه شماره ۱۷)
اینجا خوشبختانه بیشتر همکارهامون مدرک کارشناسی ارشد دارن و لیسانس خیلی کم داریم. (مصاحبه شماره ۱۶)

شکل‌گیری رقابت اقتصادی

این مقوله بیانگر آن است که معلمان در سال‌های اخیر به‌سوی میدان اقتصادی گرایش پیدا کرده‌اند و سعی در دستیابی به سرمایه اقتصادی دارند. رقابت برای کسب سرمایه اقتصادی برای معلمان با اشتغال به مشاغل آموزشی و غیرآموزشی همراه است. هدف معلمان از اشتغال به مشاغل دیگر، کسب درآمد و رفع نیازهای رایج و ضروری می‌باشد. این مقوله عمده شامل مقوله‌های «تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اقتصادی» و «اشتغال معلمان به شغل دوم غیرآموزشی» می‌باشد.

مقوله «تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اقتصادی» بیانگر آن است که برخی از معلمان که رشته تحصیلی و رشته تدریس آنها در کنکور و در جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است و از توانایی تدریس و سطح سواد بالایی برخوردارند، به مشاغل آموزشی دوم روی آورده‌اند. در این راستا می‌توان به معلمان زبان انگلیسی، عربی، فیزیک، شیمی، ریاضی اشاره کرد. این گروه از معلمان در مؤسسه‌های آموزشی خصوصی در بیرون از مدرسه و در اوقات فراغت خود مشغول به فعالیت‌اند تا درآمدی بیشتر از حقوق ماهیانه خود دریافت کنند. در این راستا می‌توان گفت که این گروه از معلمان در راستای تبدیل سرمایه فرهنگی به‌ویژه سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته به سرمایه اقتصادی فعالیت می‌کنند. تنها ابزاری که تونستم از طریقش پولی به‌دست بیارم همین مدرک ارشد و سوادم بوده که رفتم در دانشگاه علمی کاربردی یه سال تدریس به‌عنوان اضافه‌کاری و چند تا پژوهش هم برای سازمان‌ها هم انجام دادم که پول زیادی ندادن و نتونستم روی این کار حسابی باز کنم. یه مدتی هم برای سازمان‌ها مقاله نوشتم و به‌زая هر مقاله ۱۰ تومان می‌دادند. (مصاحبه شماره ۱)

با توجه به مدرکی که دارم و رشته‌ای که تدریس می‌کنم کلاس کنکوری زیاد دارم. یه منبع درآمدیه برام ولی هرگز اون ضعف مالی ما رو جبران نمی‌کنم. (مصاحبه

شماره ۲۸)

مقوله «اشتغال معلمان به شغل دوم غیر آموزشی» حاکی از آن است گروهی دیگر از معلمان که رشته تحصیلی و رشته تدریس آنها در جامعه و در کنکور اهمیت زیادی ندارد یا توانایی تدریس ضعیفی دارند به مشاغل دوم غیر آموزشی روی آورده‌اند. این گروه از معلمان در بنگاه‌های مسکن، اتومبیل، آژانس‌های مسافرکشی و سرویس دانش‌آموزان و در مغازه‌ها و فروشگاه‌ها مشغول به فعالیت‌اند تا درآمد ماهیانه خود را افزایش دهند و بتوانند نیازهای زندگی را تأمین نمایند.

چون که خودمون کارهای کشاورزی داریم و از پدرمون بهمون رسیده چاره‌ای نیست اونجا برای کسب درآمد کار می‌کنیم البته هر چند در کشاورزی خرده‌مالکی هم درآمدی نیست. (مصاحبه شماره ۷)

من یه معلم هستم و شأن بالایی برای خودم قائل هستم ولی به دلیل مشکلات اقتصادی و گذران اموراتم مجبور به شغل دیگه‌ای شدم که اصلا در شأن شغل معلمی نیست روی آوردم. (مصاحبه شماره ۲۲)

موانع رقابت سرمایه فرهنگی تجسم یافته

این مقوله دربرگیرنده موانعی است که در میدان آموزش موجب کاهش رقابت مبتنی بر سرمایه فرهنگی تجسم یافته شده‌اند. این موانع عبارت‌اند از: مشکلات اقتصادی - منزلتی؛ بازدارنده رقابت علمی، بازدارندگی قوانین میدان آموزش و صوری‌شدن ضمن خدمت؛ بازدارنده سرمایه فرهنگی تجسم یافته. براساس مقوله مشکلات اقتصادی - منزلتی، معلمان در سال‌های اخیر به علت‌های مختلفی با مشکلات زیادی مواجه شده‌اند. از جمله این مشکلات می‌توان به مشکلات اقتصادی اشاره کرد. امروزه وضعیت اقتصادی معلمان به گونه‌ای است که حقوق ماهانه آنها فقط نیازهای ضروری و اساسی آنها را برطرف می‌کند و حتی برای برخی از آنها این حقوق جوابگوی این نیازها نیست و برطرف کردن این نیازها به آرزو تبدیل شده است. مشکلات اقتصادی موجب شده که معلمان انگیزه‌ای برای ارتقای دانش و مهارت‌های آموزشی و فرهنگی خود نداشته باشند. همچنین درگیری معلمان با مشکلات مذکور موجب شده است که فرصت کافی برای ارتقای علم و دانش خود نداشته باشند. از دیگر مسائلی که امروزه دامن‌گیر معلمان شده است، مشکلات منزلتی است. احترام و منزلت معلمان در سال‌های اخیر نزد مردم و دانش‌آموزان کاهش یافته است و جامعه همانند گذشته برای معلمان ارزش و احترام بالایی قائل نیست. این مشکلات

موجب شده است که معلمان نسبت به شغل معلمی و نسبت به میدان آموزش دلسرد شوند و انگیزه‌ای برای ارتقای دانش و مهارت‌های علمی - آموزشی خود نداشته باشند. علاوه بر افزایش سن، مسائل اقتصادی، مشکلات رفاهی خیلی بر کاهش علاقه و رقابت و مطالعه تأثیر گذاشته. (مصاحبه شماره ۲۰)

قبلاً هم اشاره کردم یکی از این عوامل که باعث شد من اون انگیزه، علاقه و مطالعه یا رقابت اولیه رو از دست بدهم مشکلات اقتصادی است. (مصاحبه شماره ۲۷)

مردم به همه چیز با دید مادی نگاه می‌کنند و لذا معلم از نظر حقوقی و از نظر امکانات و جایگاهی که داره ضعیفه و این نداشتن جایگاه هم علاقه و انگیزه و تلاش معلمو کم می‌کنه. (مصاحبه شماره ۱۲)

«بازدارندگی قوانین میدان آموزش» یکی دیگر از موانعی است که سطح علمی - آموزشی و مهارتی معلمان را در سال‌های اخیر کاهش داده است. قوانین میدان آموزش بر اموری مانند عدم تمایز تأکید می‌نماید. این قوانین موجب شده است که در میدان آموزش تفاوت و تمایزی میان عاملان اجتماعی که برای ارتقای سطح سرمایه فرهنگی تجسم یافته تلاش می‌کنند و عاملانی که در این راستا تلاش و رقابتی نمی‌کنند، وجود نداشته باشد. سلطه این قوانین موجب شده است که پویایی میدان آموزش در زمینه ارتقای سرمایه فرهنگی تجسم یافته کاهش یابد و عاملان اجتماعی میدان تولید (معلمان) برای ارتقای سطح سرمایه مذکور تلاش و رقابت نکنند. این عدم تمایز در وهله اول جنبه حقوقی دارد. به عبارت دیگر، در میدان آموزش به لحاظ حقوقی میان معلمانی که سطح سرمایه فرهنگی تجسم یافته بالایی داشته، برای دستیابی و ارتقای آن رقابت و تلاش می‌کنند و سایر معلمان هیچ تفاوتی وجود ندارد و هر دو گروه از حقوق یکسانی برخوردارند. جنبه دیگر بازدارندگی قوانین میدان آموزش، جنبه منزلتی است. این امر بدین معناست که معلمانی که برای سطح ارتقای سرمایه فرهنگی تجسم یافته تلاش و رقابت می‌کنند، در میدان آموزش از احترام و منزلتی متفاوت و متمایزی نسبت به سایر معلمان برخوردار نیستند. ناگفته نماند که تمایز منزلتی وجود دارد، اما به اندازه‌ای نیست که به معلمان مذکور انگیزه‌ای دهد که رقابت علمی - آموزشی خود را ادامه دهند.

من معلم که تلاش می‌کنم بچه‌هام رو بکشم بالا با یه معلمی که این تلاش رو نداره و فقط میاد وقتش رو می‌گذرونه. از دیدگاه آموزش و پرورش و مدیر هیچ تفاوتی نداریم و تو هفته معلم به هر دو تامون یه لوح تقدیری میدن و لذا وقتی می‌بینم

فرقی نیست من هم سست می‌شوم. یعنی نسبت به ۱۶ سال پیشم وقتی اینا رو هی توی ۱۶ سال می‌بینم آروم آروم ذوقم کم میشه تلاشم کم میشه. (مصاحبه شماره ۶) از مصادیق دیگر بازدارندگی قوانین میدان آموزش، وجود شرایط رقابتی ضعیف است. میدان آموزش با توجه به قوانین خاصی که دارد شرایط رقابت علمی - آموزشی ضعیفی را برای معلمان فراهم می‌کند و این شرایط موجب شده است که معلمان در راستای ارتقای علم، دانش و مهارت‌های فرهنگی - آموزشی با یکدیگر زیاد رقابت نکنند. مثلاً رقابتی که بین من و شمای معلم باشه نهایتش شما میشید یه معلم نمونه و یه تقدیرنامه ساده‌ای بهتون میدن که هیچ انگیزه‌ای ایجاد نمی‌کنه و برای سال بعد رقابتی ایجاد نمی‌کنه. (مصاحبه شماره ۱۰)

تو مدارس خاص شرایط رقابت بین همکارها امروزه وجود داره ولی تو مدارس عادی نه. (مصاحبه شماره ۱۳)

یکی دیگر از اشکال بازدارندگی قوانین میدان آموزش، «قوانین آموزشی تسهیل‌کننده» است که موجب شده است دانش‌آموزان از طریق افزایش آمار قبولی یا از طریق تبصره و تک‌ماده و یا از طریق قانون عدم مردودی، بدون کسب نمره قبولی یا با کسب نمره‌های بسیار پایین و بدون یادگیری، پایه‌های تحصیلی را پشت‌سر گذارند و به پایه بعدی روند و مدرک تحصیلی دریافت کنند. این امر موجب شده است که سطح علمی و آموزشی میدان مصرف (دانش‌آموزان) کاهش یابد، معلمان با دانش‌آموزان ضعیفی تعامل داشته باشند و احساس نیاز به ارتقای علم و دانش و جنبه‌های مهارتی خود نداشته باشند. همچنین این قوانین موجب شده است که معلمان این استنباط را داشته باشند که دانش‌آموزان در هر صورتی (خواه دروس مربوطه را یاد بگیرند، خواه یاد نگیرند) نمره قبولی را دریافت می‌کنند و پایه‌های تحصیلی را پشت‌سر می‌گذارند و دیگر لزومی نیست که علم و دانش خود را ارتقا بخشند، زیرا قوانین میدان آموزش این امر را به معلمان القا می‌کنند که علم، دانش و مهارت در میدان آموزش زیاد حائز اهمیت نیست و هدف آموزش یادگیری دانش‌آموزان نیست، بلکه هدف فقط درصد قبولی است.

قوانین، تبصره و تک‌ماده‌ها قطعاً بر کاهش منزلت معلم‌ها نزد دانش‌آموزان تأثیر گذاشته، وقتی دانش‌آموز احساس کنه چه بخونه چه نخونه، چه نمره بگیره، چه نگیره، یکی هست که بهش نمره بده... دبیر هم علم و دانشش رو ارتقا نمیده. (مصاحبه شماره ۷)

یکی دیگر از موانعی که در کاهش ارتقای سرمایه فرهنگی تجسم یافته تأثیر فراوانی دارد، مقوله «صوری شدن ضمن خدمت» است. آموزش ضمن خدمت، آموزشی است که جهت ارتقای علم و دانش و مهارت کارمندان در حین خدمت انجام می‌شود. این آموزش ویژه میدان تولید است و در میدان تولید آموزش نیز در چند دهه اخیر انجام شده است. متأسفانه این آموزش در سال‌های اخیر در میدان آموزش ایران جنبه صوری یافته است. به عبارت دیگر، امروزه هدف معلمان از شرکت در کلاس‌های ضمن خدمت ارتقای علم و دانش و مهارت‌های علمی - آموزشی نیست، بلکه فقط کسب گواهی و امتیاز آن است. همچنین شرایط و جو حاکم بر این کلاس‌ها موجب شده که معلمان فقط برای ثبت حضور در این کلاس‌ها حضور یابند و بعد از ثبت حضور از کلاس خارج شوند. از سوی دیگر، سطح علمی این کلاس‌ها به گونه‌ای است که دانش مهارت علمی - آموزشی جدیدی به معلمان انتقال نمی‌دهد. این امر موجب شده است معلمان دانش و مهارت جدیدی یاد نمی‌گیرند. گاهی همکارها به قصد استفاده از کلاس‌ها و اینکه اطلاعات‌شون رو به‌روز کنند میمان و همه چیز شده تظاهر یعنی اینکه در همایش شرکت می‌کنه به محض اینکه برگه حضور کارگاه یا همایش رو امضا کرد یا دریافت کرد، سریع می‌خواد از کارگاه خارج بشه که زودتر بره به کار و زندگی برسه. (مصاحبه شماره ۱۱)

متأسفانه کلاس‌ها بار علمی خاصی نداره بیشتر جنبه حضور غیاب و جنبه کلیشه‌ای بر رنگه نه بار علمی. (مصاحبه شماره ۸)

محرك‌های رقابت سرمایه فرهنگی نهادی

مقوله حاضر دربرگیرنده عواملی است که موجب شده‌اند معلمان به‌سوی دستیابی به سرمایه فرهنگی نهادی گرایش یابند و برای دستیابی و افزایش آن به رقابت با یکدیگر پردازند. این عوامل عبارت‌اند از «محوریت یافتن مدرک تحصیلی، محوریت یافتن ضمن خدمت و عوامل فردی مؤثر بر مدرک‌گرایی».

در دهه‌های اخیر تغییرات فرهنگی شکل گرفته در جامعه موجب شده است افرادی که دارای مدارک تحصیلی بالایی هستند از منزلت و احترام خاصی در میدان‌های اجتماعی برخوردار شوند. همین امر موجب شکل‌گیری «محوریت مدرک تحصیلی» در میدان‌های مختلف از جمله میدان آموزش شده است. اهمیت مدرک تحصیلی و احترام و منزلت برآمده از آن از یک‌سو و یکسان شدن ارزش مدارک دانشگاهی و شرایط نسبتاً آسان دستیابی به آن از سوی دیگر، موجب شده است که گروه زیادی از معلمان در دهه گذشته

ادامه تحصیل دهند و موفق به کسب مدارک دانشگاهی کارشناسی ارشد و دکتری شوند. همچنین با توجه به قوانین میدان آموزش، داشتن مدرک تحصیلی یکی از عوامل مؤثر در سازماندهی سالانه معلمان است. به عبارت دیگر، در فرم سازماندهی و براساس شرایط آن، به مدارک تحصیلی بالا امتیاز بیشتری تعلق می‌گیرد و معلمانی که از مدارک تحصیلی بالایی برخوردارند، در سازماندهی امتیاز بیشتری کسب می‌کنند و می‌توانند مدارس بهتر و با موقعیت بهتری برای تدریس خود انتخاب نمایند. به همین دلیل این شرایط نیز موجب شده است که معلمان برای کسب مدارک تحصیلی بالا تلاش و رقابت نمایند. وقتی توی مدارس می‌دیدم یکی که مدرکش بالاتر بود علی‌رغم اینکه کلاس‌داری و تدریس ما از اون خیلی بهتر بود، توجه خاصی بهش می‌کنند، رفتم مدرک لیسانس گرفتم. (مصاحبه شماره ۳)

ارتقای مدرک روی افزایش حقوق تأثیر زیادی ندارد و چشم و هم‌چشمی نبوده. فقط به‌خاطر موقعیت کاری که از محیط روستایی بیرون بیایم و در جایی بهتری خدمت کنم و بتونم در دبیرستان ساعات کاریم کمتر بشه و اوقات فراغت بیشتری داشته باشم اینا بیشتر برام مهم بوده. (مصاحبه شماره ۷)

از دیگر محرک‌های رقابت مبتنی بر سرمایه فرهنگی نهادی در میدان آموزش «محوریت ضمن خدمت» است. در سال‌های اخیر داشتن گواهی‌های ضمن خدمت و گواهی‌های حضور در همایش در کسب امتیاز ارزشیابی سالانه و کسب رتبه حرفه‌ای معلمان نقش و جایگاه مهمی یافته است. به طوری که امتیاز مشخصی در ارزشیابی سالانه و در فرم سازماندهی سالانه برای ضمن خدمت و برای گواهی‌های همایشی به‌طور مجزا در نظر گرفته شده است. برای هر کدام نیز سطوح حداقلی و حداکثری مشخص شده است و معلمان تنها در صورتی امتیاز مربوط به ضمن خدمت یا همایش را دریافت می‌کنند که گواهی‌های مربوط به آنها را در ارزشیابی سالانه خود ارائه دهند و پیوست نمایند. این امر موجب شده است که معلمان برای کسب گواهی‌های ضمن خدمت تلاش نمایند.

شرکت در ضمن خدمت‌ها به درصد کمی برای آشنایی با اطلاعات و دانش جدید و لی‌بخش عمده‌اش رفع تکلیف هستش چون که باید سالانه ۶۰ ساعت ضمن خدمت داشته باشیم در غیر این صورت نمره ارزشیابی مون کم میشه. (مصاحبه شماره ۴)

ضمن خدمت هم به‌خاطر همین ارزش‌های ادرازی و ارزشیابی است که همکارها ازش استقبال می‌کنند. به‌خاطر امتیازاتی که برای ارزشیابی داره. (مصاحبه شماره ۱۹)

گواهی‌های ضمن خدمت نه تنها بر ارزشیابی سالانه تأثیرگذار است، بلکه بر افزایش حقوق معلمان به‌طور غیر مستقیم تأثیرگذار است. به‌عبارت بهتر، داشتن تعداد مشخصی از گواهی‌های ضمن خدمت (به‌همراه سایر شرایط)، موجب دریافت رتبه حرفه‌ای بالاتر و کسب رتبه حرفه‌ای بالاتر موجب افزایش حقوق می‌شود. بدین ترتیب کسب رتبه حرفه‌ای بالاتر برای معلمان در صورتی امکان‌پذیر است که دارای ضمن خدمت مشخصی باشند. ما سالانه باید حدود ۶۰ ساعت موظفی داشته باشیم و برای کسب رتبه هم باید حدود ۱۲۰ یا ۱۵۰ ساعت کمتر نداشته باشه و گرنه شاملش نمیشه. من یکی از همکارام همین امسال به‌خاطر اینکه ضمن خدمت نداشت رتبه شاملش نشد. (مصاحبه شماره ۱)

اگه تعداد ساعات ضمن خدمت کافی نداشته باشی رتبه بهت تعلق نمی‌گیره و افزایش حقوقت چند ماه عقب می‌افته. (مصاحبه شماره ۲۷)

از دیگر محرک‌های رقابت سرمایه فرهنگی نهادی «عوامل فردی» است. این مقوله بیانگر آن است که علاوه بر مواردی مانند محوریت مدرک تحصیلی و مدارک ضمن خدمت در میدان آموزش، عوامل فردی نیز در گرایش و تلاش معلمان برای دستیابی به سرمایه فرهنگی نهادی نقش مهمی دارد. از جمله عوامل فردی می‌توان به علاقه معلمان اشاره کرد. داده‌های تحقیق بیانگر آن است که بسیاری از معلمان به ادامه تحصیل و کسب مدرک بالا علاقمند بوده‌اند.

من بعد از استخدام مدرک تحصیلی خودم رو به مقطع ارتقا دادم و اون هم کارشناسی ارشد بود. خیلی برام اهمیت داشت و علاقمند بودم از همون ابتدا. (مصاحبه شماره ۱۱)

من ابتدا با مدرک لیسانس استخدام شدم بعدش فوق لیسانس گرفتم. فقط به‌خاطر علاقه مدرکم رو ارتقا دادم. (مصاحبه شماره ۱۳)

محرک‌های رقابت سرمایه اقتصادی

مقوله حاضر بیانگر عواملی است که موجب شده‌اند عاملان اجتماعی میدان تولید به‌سوی دستیابی به سرمایه اقتصادی گرایش یابند و برای دستیابی و افزایش آن به رقابت با یکدیگر پردازند. این عوامل عبارت‌اند از: «اقتصادگرایی» و «مشکلات اقتصادی؛ به‌مثابه محرک اقتصادی». مقوله اقتصادگرایی حاکی از آن است که میدان اقتصاد سرمایه مورد منازعه خود را بر میدان آموزش تحمیل نموده است و کسب سرمایه اقتصادی برای

معلمان اهمیت یافته است.

حقیقتش نمیگم شغل دوم دارم ولی دنبال شغل دوم می‌گردم و خیلی پیگیرم.

(مصاحبه شماره ۱۵)

البته اغلب قریب به اتفاق همکاران فرهنگی به دنبال منبع درآمد دیگری برای جبران کمبود درآمد خود هستند و بنده نیز از این امر مستثنا نیستم. (مصاحبه شماره ۲۷)

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر رقابت سرمایه اقتصادی، «مشکلات اقتصادی» است. این مقوله بیانگر آن است که معلمان در سال‌های اخیر با توجه به مشکلات اقتصادی و مالی زیادی که دارند و با توجه به آنکه حقوق دریافتی آنها از میدان آموزش جابجایی نیازهای ضروری زندگی روزمره آنها نیست، مجبور شده‌اند در اوقات فراغت خود مشغول به فعالیت‌های اقتصادی شوند و مشاغل دومی برگزینند تا بتوانند نیازهای ضروری و اساسی خانواده خود را تأمین کنند.

۱۰۴

وقتی که ما مشکل اقتصادی داریم مجبوریم اون نصف روز دیگه یا دو سه روز دیگه که مدرسه نمایم مجبوریم جایی دیگه کار کنیم تلاش کنیم که حداقل حالا جلو نمی‌زنیم، حداقل درجا بزنیم. (مصاحبه شماره ۶)

خدا رو شکر چون که رشته‌ام ریاضیه... کمبود مالی رو سعی می‌کردم با این اضافه‌کار و کلاس جبرانی‌ها جبران کنم. (مصاحبه شماره ۲۰)

از نظر فعالیت هم من به عنوان یه معلم خانم مجبور بودم که در این سال‌ها در کنار شغل معلمی شغل جانبی هم داشته باشم تا بتونم زندگی رو تأمین کنم. (مصاحبه شماره ۲۲)

رقابت اقتصادی توانمندساز - فشار آور

این مقوله بیانگر آن است که شکل‌گیری رقابت اقتصادی در میدان تولید آموزش از یک‌سو، موجب توانمندی معلمان به لحاظ اقتصادی شده است. به طوری که معلمان توانسته‌اند نیازهای مالی و معیشتی خود را در جامعه در سطح مقبولی برآورده سازند. از سوی دیگر، زندگی معلمان را به لحاظ آموزشی، فراغتی و سلامت جسمانی - روانی تحت تأثیر قرار داده است و موجب تأثیرات منفی بر زندگی آنها شده است. بنابراین تجربه رقابت اقتصادی معلمان دربرگیرنده پیامدهای متناقضی است. این پیامدها عبارت‌اند از: «تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان دوشغله آموزشی، تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان دوشغله غیرآموزشی، توانمندسازی اقتصادی رقابت اقتصادی و افت فعالیت فراغتی و

سلامت جسمانی - روانی». براساس مقوله «تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان دوشغله غیرآموزشی» اشتغال معلمان به شغل دوم غیرآموزشی برای تأمین نیازهای معیشتی موجب شده که گروهی از آنها وارد میدان‌های دیگری شوند و مدت زمان زیادی را به فعالیت در آن میدان‌ها تخصیص دهند. حضور در سایر میدان‌ها و تخصیص ساعات‌های غیرآموزشی به فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد موجب شده است که معلمان فرصت لازم برای مطالعه و به‌روز کردن اطلاعات علمی و آموزشی خود نداشته باشند.

این کارهای جانبی فرصت مطالعه و انگیزه رو از ما گرفته... وقتی که من بعد از ظهر ساعت ۲ از مدرسه بیام بیرون و برم دنبال کار تا ساعت ۹ شب یا ۱۰ شب. قطعاً هیچ فرصتی برای مطالعه روز بعد ندارم. (مصاحبه شماره ۳)

خوب مسلمه که وقتی خسته هستم تأثیرش رو هم روی کار تدریسم میذاره و تأثیرش کم نیست. به همون نسبت مطالعاتم کم میشه، تحقیقاتم کم میشه. (مصاحبه شماره ۲۲)

براساس مقوله «تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان دوشغله آموزشی» تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اقتصادی اگرچه معلمان را از محیط آموزشی دور ساخته، اما به دلیل اشتغال زیاد، عدم وقت و خستگی مفرط موجب کاهش سطح مطالعه، انگیزه و رفتارهای آموزشی و فرهنگی معلمان شده است. بنابراین پیامد کاهش عادت‌واره نهادی را معلمانی که در مشاغل دوم آموزشی مشغول به فعالیت‌اند نیز تجربه کرده‌اند، البته به‌شکلی دیگر. این اضافه‌کاری و پر کردن هفته به خاطر معیشت حقیقتاً میزان انگیزه و علاقه ما رو کم کرده و بیشتر نکرده چون که من خودم چند روز تو متوسطه دوم هستم و اضافه‌کاریم تو دوره راهنمایی است. چون متوسطه نداره، دانش‌آموزهای راهنمایی هم خیلی پرشور هستند و اذیت می‌کنن و اون دو روز خسته میشیم و اون انگیزه‌ای که تو متوسطه دوم تا حدودی دارم ازم گرفته میشه. (مصاحبه شماره ۸)

ببینید وقتی بنده در نوبت دوم (عصر) دو برابر نوبت اول رفتم کار کردم، کلاس خصوصی داشتم کلاس کنکور داشتم تا ساعت ۹ و ۱۰ شب اینجا و اونجا کار کردم قطعاً روز بعد اون شور و شوق رو نداشتم قطعاً این تأثیر میذاره و مؤثر هست. (مصاحبه شماره ۱۲)

یکی دیگر از پیامدهای منفی رقابت اقتصادی معلمان «افت فعالیت فراغتی و سلامت جسمانی - روانی» آنهاست. براساس یافته‌های به‌دست آمده، اگرچه معلمان با اشتغال

در مشاغل دوم آموزشی و غیرآموزشی توانسته‌اند سطح درآمد خود را افزایش دهند، اما متأسفانه اشتغال آنها به شغل دوم پیامدهای منفی نیز به همراه داشته است. به طوری که اشتغال به مشاغل دوم موجب شده است که وضعیت سلامتی و جسمانی معلمان به خطر بیفتد و به بیماری‌های جسمانی - روانی مبتلا شوند. علاوه بر بیماری جسمانی - روانی، اشتغال معلمان به مشاغل دوم موجب شده است که معلمان اوقات فراغت زیادی نداشته باشند.

برای رفع مشکلات اقتصادی من الان شغل دوم دارم. در میزان استراحتم خیلی تأثیرگذار بوده، حتی با خانواده هم تفریح زیادی هم ندارم. (مصاحبه شماره ۹)

این کلاس‌های جبرانی و کنکوری... روی جسم و روانم خیلی اثر منفی داره. الان من عینکم رو بردارم شما رو تار می‌بینم. چشم ضعیف شده. بعضی وقتا به قلبم فشار میاد، زانوها درد می‌کنه، کف پام می‌سوزه. پس روی همه اینها اثر میذاره. (مصاحبه شماره ۲۰)

تنها پیامد مثبتی که معلمان در رقابت اقتصادی تجربه نموده‌اند، توانمندسازی اقتصادی است که البته این امر نیز موجب رفع کامل نیازهای اقتصادی و معیشتی آنها نشده است. بنابراین افزایش درآمد و تأمین نیازهای معیشتی از طریق مشاغل دوم آموزشی و غیر آموزشی تا حدودی موجب بهبود وضعیت مالی و اقتصادی معلمان شده است.

برای جبران مشکلات اقتصادی چون که خودمون کارهای کشاورزی داریم و از پدرمون بهمون رسیده چاره‌ای نیست اونجا برای کسب درآمد کار می‌کنیم البته هر چند در کشاورزی خرده‌مالکی هم درآمدی نیست. (مصاحبه شماره ۷)

کلاس‌های کنکوری و تقویتی خوبه و درآمدی ازش به دست میاد و تا حدودی مشکلاتمون رو حل کرده ولی نه زیاد. (مصاحبه شماره ۲۹)

نتایج دو بُعدی رقابت سرمایه فرهنگی نهادی

این مقوله بیانگر آن است تلاش معلمان در میدان تولید برای کسب و ارتقای سرمایه فرهنگی نهادی موجب توانمندسازی اقتصادی و علمی آنها شده است. این امر بیانگر آن است که رقابت سرمایه فرهنگی نهادی معلمان در میدان آموزش دربرگیرنده پیامدهای مختلفی است که عبارت‌اند از: «توانمندسازی اقتصادی ضعیف سرمایه فرهنگی نهادی و توانمندسازی علمی ضعیف سرمایه فرهنگی نهادی». وجه مشترک این پیامدها تأثیر ضعیف سرمایه فرهنگی نهادی بر آنهاست. براساس پیامد «توانمندسازی اقتصادی ضعیف

سرمایه فرهنگی نهادی» رقابت معلمان برای کسب و ارتقای سرمایه فرهنگی نهادی از قبیل مدرک تحصیلی و مدارک درون سازمانی (مانند ضمن خدمت و گواهی های همایشی) موجب افزایش حقوق معلمان شده است و از این طریق تاحدودی توانسته اند مشکلات اقتصادی خود را رفع نمایند. البته نکته حائز اهمیت آن است که سطح حقوق افزایش یافته بسیار پایین است.

ولی الان این مدرک هم ارزشی نداره بعدش هم پول خیلی کمی به حقوقمون اضافه میشه. (مصاحبه شماره ۲۵)

ضمن خدمت روی ارزشیابی سالانه و کسب رتبه حرفه ای تأثیر داره و رتبه هم روی حقوقمون تأثیر گذاشته ولی کم... آموزش و پرورش ارتقا مدرک را تا یک مقطع بعد قبول می کند و از سوی دیگر ارتقا مدرک از فوق لیسانس به دکتری نهایتاً ۱۵۰ تومان افزایش حقوق دارد. (مصاحبه شماره ۳۱)

مقوله «توانمندسازی علمی ضعیف سرمایه فرهنگی نهادی» بیانگر آن است رقابت معلمان در میدان تولید آموزش جهت ارتقای سرمایه فرهنگی نهادی علاوه بر پیامدهای مادی، پیامدهای علمی نیز به دنبال داشته است. کلاس های ضمن خدمت و کارگاه های آموزشی علی رغم صوری بودن و پایین بودن سطح کیفیت شان موجبات ارتقای علمی ضعیف معلمان را فراهم نموده اند.

شرکت در ضمن خدمت ها یه درصد کمی برای آشنایی با اطلاعات و دانش جدید خوب بوده. (مصاحبه شماره ۴)

من خودم سعی می کنم که به کلاس های ضمن خدمت برم. به خصوص وقتی کتابها تغییر می کنه کتاب های جدید التالیف میاد دوست دارم که ببینم چه تغییراتی کرده و اطلاعات بیشتری کسب کنم. در همین حد، نه بیشتر. (مصاحبه شماره ۱۹)

کدگذاری محوری

در این مرحله با توجه به ارتباطی که بین مقوله ها وجود داشت، مقوله های مذکور مجدداً طبقه بندی شدند، سپس ارتباط منطقی بین مقولات و زیرمقولات برقرار گردید و ذیل ابعاد «پدیده، شرایط و پیامد» به صورت یک شبکه در ارتباط با یکدیگر قرار گرفتند. پدیده: بررسی مفاهیم و مقوله های به دست آمده بیانگر آن است پدیده ای که امروزه در میدان تولید آموزش شکل گرفته، «تغییر سرمایه مورد منازعه از سرمایه فرهنگی تجسم یافته به سرمایه فرهنگی نهادی/ اقتصادی در میدان تولید آموزش» است.

مقوله‌هایی که بیانگر شکل‌گیری این پدیده در میدان آموزش هستند عبارت‌اند از: سیر صعودی رقابت سرمایه فرهنگی نهادی، سیر نزولی رقابت سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و شکل‌گیری رقابت اقتصادی.

شرایط: با توجه به یافته‌های تحقیق، شرایطی که موجب شکل‌گیری «تغییر سرمایه مورد منازعه از سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته به سرمایه فرهنگی نهادی/اقتصادی در میدان تولید آموزش» شده‌اند، عبارت‌اند از مقوله‌های عمده: موانع رقابت سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، محرک‌های رقابت سرمایه فرهنگی نهادی و محرک‌های رقابت سرمایه اقتصادی. گفتنی است که این مقوله‌های عمده نیز شامل مقوله‌های صوری‌شدن ضمن خدمت؛ بازدارنده سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، بازدارندگی قوانین میدان آموزش، مشکلات اقتصادی - منزلتی؛ بازدارنده رقابت علمی، محوریت مدرک تحصیلی، محوریت ضمن خدمت، عوامل فردی مؤثر بر مدرک‌گرایی، مشکلات اقتصادی؛ به‌مثابه محرک اقتصادی و اقتصادگرایی هستند. با الهام از مدل پارادایمی استراوس و کوربین، مقوله‌های مذکور ذیل شرایط زمینه‌ای، مداخله‌گر و علی تفکیک و دسته‌بندی شدند که عبارت‌اند از:

شرایط زمینه‌ای: عوامل فردی مؤثر بر مدرک‌گرایی
شرایط مداخله‌گر: بازدارندگی قوانین میدان آموزش، مشکلات اقتصادی - منزلتی، صوری‌شدن ضمن خدمت؛ بازدارنده سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته
شرایط علی: محوریت یافتن ضمن خدمت، مشکلات اقتصادی؛ به‌مثابه محرک اقتصادی، محوریت یافتن مدرک تحصیلی، اقتصادگرایی.

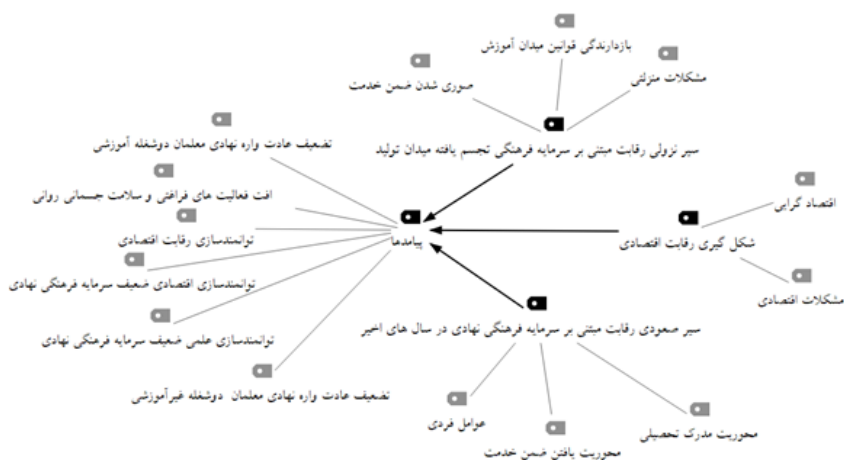
پیامد: بررسی یافته‌های به‌دست آمده بیانگر آن است که شکل‌گیری پدیده «تغییر سرمایه مورد منازعه از سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته به سرمایه فرهنگی نهادی/اقتصادی در میدان تولید آموزش» موجب پیامدهای متناقضی از قبیل توانمندسازی رقابت اقتصادی، آفت فعالیت فراغتی و سلامت جسمانی - روانی، تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان دوشغله غیرآموزشی، تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان دوشغله آموزشی، توانمندسازی علمی ضعیف سرمایه فرهنگی نهادی و توانمندسازی اقتصادی ضعیف سرمایه فرهنگی نهادی شده است که در دو مقوله عمده «رقابت اقتصادی توانمندساز - فشارآور» و «نتایج دو بعدی رقابت سرمایه فرهنگی نهادی» کدبندی شده‌اند. به‌طور کلی این مقوله‌ها بیانگر «تناقض پیامدی تغییر سرمایه مورد منازعه از سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته به سرمایه فرهنگی نهادی/اقتصادی در میدان تولید آموزش» است.

بحث و نتیجه‌گیری

تلاش پژوهش حاضر، بررسی وضعیت و تغییرات سرمایه مورد منازعه در میدان آموزش، شرایط اثرگذار بر آن و پیامدهای آن بود. جهت پاسخ به مسئله تحقیق، چارچوب مفهومی مبتنی بر دیدگاه بورديو (مفاهيم میدان، سرمایه و رقابت) و منابع تجربی مرتبط با آن تنظیم گردید و بر مبنای آن، سؤالات اصلی تحقیق تدوین و مورد بررسی قرار گرفتند. بر مبنای نتایج به دست آمده، سرمایه مورد منازعه در میدان تولید آموزش ثابت و لایتغیر نبوده، بلکه در طول زمان دستخوش تغییر شده است. به طوری که معلمان در سال‌های ابتدای خدمت برای کسب و ارتقای سرمایه فرهنگی تجسم یافته رقابت می‌کردند و درصد بودند که در میدان آموزش این شکل از سرمایه خود را افزایش دهند. اما متأسفانه در سال‌های اخیر (در اواخر دهه هشتاد) رقابت برای کسب و ارتقای سرمایه فرهنگی تجسم یافته در میدان تولید تحت تأثیر شرایطی مانند مشکلات اقتصادی - منزلتی، بازدارندگی قوانین میدان آموزش و صوری شدن ضمن خدمت کاهش یافته است. در مقابل از یک سو، رقابت برای کسب سرمایه اقتصادی تحت تأثیر مشکلات اقتصادی و اقتصادگرایی شکل گرفته است. به طوری که گروهی از معلمان تحت تأثیر اقتصادگرایی و مشکلات اقتصادی با توجه به رشته تحصیلی، توانایی تدریس، سطح سواد و اهمیت رشته تدریس آنها در کنکور، اقدام به تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اقتصادی (تدریس خصوصی، تقویتی، کنکوری، اضافه کاری) نموده‌اند و گروهی نیز به مشاغل غیرآموزشی (بنگاه‌های مسکن، اتومبیل، آژانس‌های مسافرکشی و سرویس دانش‌آموزان و در مغازه‌ها و فروشگاه‌ها) روی آورده‌اند تا درآمد ماهیانه خود را افزایش دهند. از سوی دیگر، با توجه به قابلیت تبدیل سرمایه فرهنگی نهادی به سرمایه اقتصادی در میدان آموزش و تأثیرگذاری شرایط و محرکاتی از قبیل محوریت مدرک تحصیلی، محوریت ضمن خدمت و عوامل فردی، رقابت برای کسب و ارتقای سرمایه فرهنگی نهادی افزایش یافته است. در این راستا معلمان جهت ارتقای رتبه شغلی و کسب نمره بالای ارزشیابی که به طور مستقیم بر جایگاه اجتماعی معلمان در میدان آموزش و به طور غیرمستقیم بر درآمد آنها تأثیرگذار است، اقدام به گردآوری مدارک ضمن خدمت و ارتقای مدرک تحصیلی خود نموده‌اند. افول رقابت برای کسب و ارتقای سرمایه فرهنگی تجسم یافته از یک سو، شکل گیری و افزایش رقابت برای کسب سرمایه فرهنگی نهادی و سرمایه اقتصادی از سوی دیگر، به تدریج موجب شکل‌گیری پدیده «تغییر سرمایه مورد منازعه از سرمایه فرهنگی

تجسم یافته به سرمایه فرهنگی نهادی / اقتصادی در میدان تولید آموزش» شده است. شکل گیری این پدیده بدان معناست که معلمان امروزی برای افزایش سرمایه فرهنگی تجسم یافته رقابت نمی کنند، بلکه برای دستیابی به سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی نهادی تلاش می کنند و این امر موجب شده است که معلمان پیامدهای متناقض و چندبُعدی را در این زمینه تجربه کنند. به طوری که این پدیده از یک سو، موجب رفع نیازهای معیشتی معلمان شده و از سوی دیگر، موجب ضعف جسمانی و روحی و کاهش میزان عادت واره نهادی آنها (مانند میزان علائق و تمایلات علمی، آموزشی، فرهنگی و ادبی؛ سطح ارزش های علمی - آموزشی و فرهنگی مانند مطالعه، آراستگی، میزان مطالعه کتب درسی و غیردرسی، مجلات و روزنامه ها و مقالات علمی؛ و سطح رفتارهای فرهنگی - آموزشی از قبیل رفتن به کتابخانه، امانت کتاب، شرکت در همایش های علمی - آموزشی؛ مراجعه به کتاب فروشی و خرید کتاب، تبادل اطلاعات علمی و آموزشی، رعایت نظم و انضباط در مدرسه، انگیزه شغلی، سطح رفتار آموزشی و تعهد شغلی) گردیده است.

۱۱۰



شکل ۲: تغییر سرمایه مورد منازعه از سرمایه فرهنگی تجسم یافته به سرمایه فرهنگی نهادی / اقتصادی در میدان تولید آموزش

وجود عواملی مانند محوریت مدرک تحصیلی و ضمن خدمت در قدرت یافتن سرمایه فرهنگی نهادی به عنوان سرمایه مورد منازعه در میدان آموزش و وجود عواملی مانند بازدارندگی قوانین میدان آموزش و صورتی شدن ضمن خدمت در افول سرمایه فرهنگی

تجسم یافته به عنوان سرمایه مورد منازعه در میدان آموزش بیانگر آن است که تغییر سرمایه مورد منازعه از سرمایه فرهنگی تجسم یافته به سرمایه فرهنگی نهادی/اقتصادی امری درون میدانی است. همچنین وجود عواملی مانند اقتصادگرایی، مشکلات اقتصادی و منزلتی نیز حاکی از نقش عوامل برون میدانی مانند میدان اقتصاد (اقتصادگرایی)، میدان دولت (مشکلات اقتصادی) و میدان اجتماعی (مشکلات منزلتی) در شکل گیری پدیده مذکور است. بنابراین تغییر سرمایه مورد منازعه در میدان آموزش فقط امری درون میدانی نیست، بلکه عوامل برون میدانی نیز در آن نقش دارند. همچنین تغییر سرمایه مورد منازعه از سرمایه فرهنگی تجسم یافته به سرمایه فرهنگی نهادی/اقتصادی در میدان تولید آموزش ایران بیانگر سلطه سرمایه فرهنگی نهادی و اقتصادی بر میدان آموزش و استعمار آن است. این نتیجه با نظریه پیر بوردیو به ویژه نظریه تبدیل پذیری اشکال سرمایه به یکدیگر و تلاش میدان های مختلف برای سلطه بر سایر میدان ها همخوانی دارد. (لوین، ۲۰۱۵: ۸۰ و گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۱۱) به لحاظ تجربی نیز نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های قادرزاده و فرجی (۱۳۹۳) و لاندستروم و هولم (۲۰۱۱) همخوانی دارد. زیرا پژوهش های مذکور بیانگر وجود رقابت بازاری در میدان آموزش و تأثیر شرایط اقتصادی و منزلتی بر شکل گیری رقابت اقتصادی و تجربه پیامدهای متناقض آن (تونمندساز - فشار آفرین) است.

از آنجا که میان زیر میدان های تولید و مصرف در هر میدان رابطه و برهم کنش متقابل وجود دارد (بوردیو، ۱۳۹۱)، تغییر سرمایه مورد منازعه از سرمایه فرهنگی تجسم یافته به سرمایه فرهنگی نهادی/اقتصادی در زیر میدان تولید میدان آموزش (یعنی معلمان) و پیامدهای آن از قبیل کاهش عادت واره نهادی و ضعف سلامت جسمانی - روانی معلمان، زیرمیدان مصرف و عاملان حاضر در آن یعنی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار خواهد داد و موجب می شود که میدان آموزش با چالش های جدی در زمینه کارآمدی مواجه شود و نتواند موجبات ارتقای سرمایه فرهنگی تجسم یافته عاملان اجتماعی زیرمیدان مصرف را فراهم نماید. با توجه به اهمیت پیامدهای پدیده مذکور برای جامعه (به ویژه میدان آموزش) ضروری است که به آن توجه شود و در راستای اصلاح آن برنامه ریزی ها و راهبردهای فرهنگی گسترده ای صورت گیرد. به طوری که میدان دولت با اتخاذ راهبردهای فرهنگی و سیاست های آموزشی مناسب از جمله تخصیص بودجه و افزایش حقوق معلمان از گرایش آنها به رقابت اقتصادی و سرمایه فرهنگی نهادی جلوگیری نماید و زمینه

رقابت در راستای دستیابی به سرمایه فرهنگی تجسم یافته را تقویت کند و منافع مادی و غیرمادی عاملان اجتماعی میدان تولید بر محوریت آن قرار دهد. همچنین سطح کیفی کلاس‌های ضمن خدمت را ارتقا بخشد و از صوری شدن آن جلوگیری نماید. در راستای مشکلات و تنگناهای تحقیق باید گفت از آنجا که آموزش و پرورش نهادی دولتی است، ورود به مدارس مستلزم داشتن مجوز از اداره آموزش و پرورش بود. در راستای کسب مجوز محقق با مشکلات و موانع خاصی از سوی برخی از مسئولان اداره آموزش و پرورش مواجه شد. همین امر موجب شد که در برخی از نواحی محقق مصاحبه‌ها را در خارج از فضای مدرسه انجام دهد.

منابع

۱. آروین، بهاره. (۱۳۹۰). بررسی انتقادی فرایندهای تولید علوم اجتماعی در ایران (با تأکید بر رشته جامعه‌شناسی). پایان‌نامه دکتری. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.
۲. استراوس، انسلم و جولیت کوربین. (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ابراهیم افشار. تهران: نی.
۳. آقازاده، احمد. (۱۳۸۲). تاریخ آموزش و پرورش ایران. تهران: انتشارات ارسباران.
۴. برادران حقیر، مریم. (۱۳۹۰). مؤلفه‌های آموزشی توسعه انسانی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۵. بوردیو، پیر. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی و ادبیات؛ آموزش عاطفی فلوربر. ترجمه یوسف ابادری. فصلنامه ارغنون. شماره ۹ و ۱۰.
۶. بوردیو، پیر. (۱۳۸۶). علم و تأمل‌پذیری. یحیی امامی. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
۷. بوردیو، پیر. (۱۳۸۸). درسی درباره درس. ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
۸. بوردیو، پیر. (۱۳۹۰). نظریه کنش. مرتضی مردیها. تهران: نقش و نگار.
۹. بوردیو، پیر. (۱۳۹۱). تمایز؛ نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی. حسن چاوشیان. تهران: نشر ثالث.
۱۰. بوردیو، پیر. (۱۳۹۴). مسائل جامعه‌شناسی. پیروز ایزدی. تهران: نسل آفتاب.
۱۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: وزارت آموزش و پرورش. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۲. علی‌بابایی، یحیی؛ سیدضیاء هاشمی و محمود تیموری. (۱۳۹۶). تحلیل و واکاوی روند شکل‌گیری سرمایه فرهنگی معلمان در میدان آموزش و پرورش ایران. تحقیقات فرهنگی ایران. ۳(۱۰).
۱۳. قادرزاده، امید. (۱۳۹۳). آموزش و پرورش و هویت دینی و ملی. فصلنامه مطالعات ملی. ۱۵(۳).
۱۴. قادرزاده، امید و سیروان فرجی. (۱۳۹۳). تحلیل تجربه‌های معلمان از دو شغله بودن. راهبرد فرهنگ. شماره ۲۶.
۱۵. کمالی، افسانه و زهرا خاوری. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر تفکر انتقادی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر مشهد. مجله جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. شماره ۱.
۱۶. گرنفل، مایکل. (۱۳۸۹). مفاهیم کلیدی بوردیو. محمدمهدی لیبی. تهران: نشر افکار.
۱۷. محمدی، جمال؛ فردین محمدی وزهراسادات سلیمان‌زاده. (۱۳۹۱). تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی / اجتماعی و اثربخشی آموزشی معلمان. مطالعات جامعه‌شناختی. ۱۹(۱).

- Solutions. *International Journal of Evaluation and Research*. 3(2). 79- 84.
19. Bottero, W. & N. Crossley. (2011). Worlds, Fields and Network: Becker, Bourdieu, and Structures of Social Relations. *Cultural Sociology*. 5(1). 99-119.
 20. Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital. in J. G. Richardson. *Handbook of Theory and Research for Sociology of Education*. Greenwood Press. New York
 21. Cheng, S. T. & S. Kaplowitz. (2016). Family Economic Status, Cultural Capital and Academic Achievement: the Case Taiwan. *International Journal of Educational Development*. No. 49. 271-278.
 22. Dumais, S. & A. Ward. (2010). Cultural Capital and First- Generation College Success. *Poetics*. 38(3). 245-265.
 23. Friedland, R. (2009). The Endless Fields of Pierre Bourdieu. *Organization Articles*. 16(6). 887-917.
 24. Herd, N. (2013). Bourdieu and the Fields of Art in Australia: on the Functioning of the Worlds. *Journal of Sociology*. 49(2-3). 373-384.
 25. Jager, M. M. & S. Mollegaard. (2017). Cultural Capital, Teacher Bias, and Educational Success: New Evidence From Monozygotic Twins. *Social Science Research*. No. 65. 130-144.
 26. Kitchen, P. J. & D. Howe. (2013). How Can the Social Theory of Pierre Bourdieu Assist Sport Management Research?. *Sport Management Review*. No. 16. 123-134.
 27. Kloot, B. (2009). Explaining the Value of Bourdieus Framework in the Context of Institutional Change. *Studies in Higher Education*. 34(4). 469-481.
 28. Kloot, B. (2015). A Historical Analysis of Academic Development Using the Theoretical Lens of Pierre Bourdieu. *British Journal of Sociology of Education*. 36(6). 958-976.
 29. Lessard, C.; A. P. Contandriopoulos. & D. Beaulian. (2010). The Role (or Note) of Economic Evaluation at the Micro Level: Can Bourdieus Theory Provide Away Forward for Clinical Decision –Making?. *Socila Science & Mediciene*. No. 70. 1984-1956.
 30. Levien, M. (2015). Social Capital as Obstacle To Devevelopment Brokering Land, Norms, and Trust in Rural India. *World Devevelopment*. No. 74. 77-92.
 31. Lundstrom, U. A. S. Holm. (2011). Market Competition in Upper Secondary Education: Perceived Effects on Teachers' Work. *Policy Futures in Education*. 9(2). 193-106.
 32. Martin, J. L. (2003). What Is Field Theory?. *American Journal of Sociology*. 109(1). 1-49.
 33. Masino, S. & M. Nino-Zarazua. (2016). Whats Work to Improve the Quality of Student Learning in Development Countries?. *International Journal of Educational Development*. No. 48. 53-65.
 34. Mollegaard, S. & M. M. Jager. (2015). The Effect of Grandparents' Economic, Cultural, and Social Capitalon Grandchildren's Educational Successstine. *Research in Social Stratification and Mobility*. No. 42. 11-19.
 35. Nnadozi-Udefuna, P.; C. Akalefu. & C. Asogwa. (2013). Entrepreneurship Education and Economic Development in Nigeria: Policy Issues and Option. *Industery & Education*. 27(5). 343- 348.
 36. Savage, M.; E. B. Silva. (2013). Field Analysis in Cultural Sociology. *Cultural Sociology*. 7(2). 111-126.
 37. Soutghgate, D. E. (2013). Family Capital: A Determinant of Supplementary Education in 17 Nations. *Intrnational Perspectives on Education and Society*. No. 22. 245-258.
 38. Tramonte, L. & D. Willms. (2010). Cultural Capital and Its Effects on Education Outcoms. *Economic of Education Review*. 29(2). 200-213.
 39. Williams, G. & S. Choudry. (2016). Mathematics Capital in the Educational Field: Bourdieu and Beyond. *Research in Mathematic Education*. 18(1). 3-21.